

# Social Cohesion in the Thought and Practice of Imam Khomeini: A Strategy for Shaping the Social Base of the Islamic Revolution

Mohammad Ghadrati shatori<sup>1\*</sup>, Mohsen Esmaili<sup>2</sup>

## Abstract

The present study is aimed at examining the strategy of social cohesion in the thought and practice of Imam Khomeini and its role in shaping the social base of the Islamic Revolution. This research adopts a qualitative approach and a descriptive-analytical method, analyzing existing documents and sources – particularly *Sahifeh-ye Imam* (The Collected Works of Imam Khomeini). Data were categorized using qualitative content analysis. The findings indicate that social cohesion in Imam Khomeini's thought was grounded in five principal components: the centrality of Islam, pursuit of justice, rejection of monarchy, integration of spirituality and politics, and opposition to division and discord. His practical methods included network-building through religious authorizations, direct communication with various social groups, emotional solidarity with the people, exposing the nature of adversaries, and avoiding exclusivism. This strategy faced several obstacles, including hostile propaganda, divisive policies of the ruling regime, and deviant internal movements. Nevertheless, social cohesion as a comprehensive strategy succeeded in forming a broad coalition of clerics, merchants, students, women, workers, and religious minorities. It significantly strengthened the social capital of leadership and laid the groundwork for widespread public participation in the victory of the Revolution.

**Keywords:** Social Cohesion, Imam Khomeini, Islamic Revolution, Social Base, Social Capital, Unity of Word

---

<sup>1</sup> - PhD , Jurisprudence and Fundamentals of Law and Thought of Imam Khomeini (RA) Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran ,Iran.( author Corresponding.) [mohamad.ghoodrati1373@gmail.com](mailto:mohamad.ghoodrati1373@gmail.com).  
<https://orcid.org/0009-0001-9771-2912>

<sup>2</sup> - Professor, Faculty of Law and Political Science-University of Tehran, Tehran, Iran. [esmaeil1344@ut.ac.ir](mailto:esmaeil1344@ut.ac.ir) .

## انسجام اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی؛ راهبردی برای شکل‌دهی پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی

محمدقدرتی شاتوری<sup>۱\*</sup>، محسن اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی راهبرد «انسجام اجتماعی» در اندیشه و عمل امام خمینی و نقش آن در شکل‌دهی به پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی انجام شده است. این تحقیق با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی اسناد و مدارک موجود، به ویژه مجموعه «صحیفه امام» پرداخته و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی در اندیشه امام خمینی بر پنج مؤلفه اصلی استوار بود: محوریت اسلام، عدالت‌خواهی، نفی سلطنت، پیوند معنویت و سیاست و نفی تفرقه. روش‌های عملی ایشان شامل شبکه‌سازی از طریق اجازه‌نامه‌های شرعی، ارتباط مستقیم با اقشار مختلف، همدلی عاطفی با مردم، افشای چهره دشمن و پرهیز از انحصارطلبی بود. این راهبرد با موانعی همچون تبلیغات سوء دشمن، سیاست تفرقه‌افکن رژیم و جریان‌های انحرافی مواجه بود. انسجام اجتماعی به‌عنوان راهبردی جامع، توانست ائتلافی فراگیر از روحانیون، بازاریان، دانشجویان، زنان، کارگران و اقلیت‌های مذهبی ایجاد کند، سرمایه اجتماعی رهبری را به میزان بی‌سابقه‌ای تقویت نماید و زمینه‌ساز مشارکت گسترده مردمی در پیروزی انقلاب شود.

**کلیدواژگان:** انسجام اجتماعی، امام خمینی، انقلاب اسلامی، پایگاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، وحدت کلمه.

<sup>۱</sup> - دکترای فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره) پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

[mohamad.ghoodrati1373@gmail.com](mailto:mohamad.ghoodrati1373@gmail.com)

<https://orcid.org/0009-0001-9771-5912>

<sup>۲</sup> - استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [Esmaeili1344@ut.ac.ir](mailto:Esmaeili1344@ut.ac.ir)

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر، در سطح جهانی تحولاتی شگرف پدید آورد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۶). با این حال، جامعه ایران در دهه‌های اخیر صحنه تقابل گفتمان‌های سیاسی متضادی بوده که ریشه در رویکردهای ایدئولوژیک، اجتماعی و اقتصادی متفاوت داشته‌اند و این تقابل، فضای سیاسی و اجتماعی ایران را به شدت دوقطبی کرده است (احمدی اتویی، ۱۴۰۴، ص. ۳). در چنین فضایی، نقش رهبری و توانایی امام خمینی در ایجاد همدلی و وحدت میان اقشار مختلف جامعه، از جایگاهی ویژه برخوردار بود. ایشان با بهره‌گیری از راهبرد «انسجام اجتماعی» به عنوان مفهوم کلیدی در اندیشه و عمل خویش، توانستند شبکه‌ای گسترده از نیروهای اجتماعی معتقد و متعهد را پیرامون اهداف مشترک انقلاب ساماندهی کنند؛ راهبردی که شکاف‌های موجود را کاهش داد و پایگاه اجتماعی انقلاب را به گونه‌ای بی‌سابقه گسترش بخشید.

پژوهش حاضر در صدد است تا ابعاد مختلف این راهبرد را در اندیشه و عمل امام خمینی مورد تحلیل قرار دهد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که انسجام اجتماعی به عنوان یک راهبرد، چگونه در اندیشه امام خمینی مفهوم‌پردازی شد و در عمل، چه روش‌ها و سازوکارهایی برای تحقق آن به کار گرفته شد؟ همچنین این راهبرد چه نتایج و پیامدهایی در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی به همراه داشت؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله در سه بخش اصلی سامان یافته است: نخست، مبانی نظری انسجام اجتماعی در اندیشه امام خمینی بررسی می‌شود که شامل مؤلفه‌هایی چون محوریت اسلام، عدالت‌خواهی، نفی سلطنت، پیوند معنویت و سیاست، و نفی تفرقه است. بخش دوم به راهبردها و روش‌های عملی ایجاد انسجام اجتماعی می‌پردازد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: شبکه‌سازی از طریق اجازه‌نامه‌های شرعی، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با اقشار مختلف جامعه، همدلی عاطفی با مردم، افشای چهره دشمن، و پرهیز از انحصارطلبی. بخش سوم نیز نتایج و پیامدهای این راهبرد را در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی از جمله ایجاد ائتلاف فراگیر اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی رهبری، گسترش دامنه نفوذ انقلاب، تداوم مبارزه علیرغم سرکوب‌ها و نهایتاً مشارکت گسترده مردمی در پیروزی انقلاب تبیین می‌کند.

پژوهش حاضر از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه اسنادی، کلیه آثار مکتوب امام خمینی، به ویژه مجموعه ۲۲ جلدی «صحیفه امام»، و نیز منابع مرتبط شامل خاطرات نزدیکان و منابع تاریخی می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده؛ بدین معنا که سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌های مرتبط با انسجام اجتماعی انتخاب و بررسی شده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی-قیاسی است که برای مطالعه متون و اسناد تاریخی مناسب می‌باشد. مراحل تحلیل عبارتند از: ۱-شناسایی جملات و عبارات مرتبط با انسجام، ۲-دسته‌بندی آنها در سه مقوله اصلی (مبانی نظری، روش‌های عملی، موانع و نتایج)، و ۳-تفسیر یافته‌ها بر اساس چارچوب نظری پژوهش.

## ۱.پیشینه پژوهش

موضوع سرمایه اجتماعی، مشارکت و همبستگی در اندیشه امام خمینی در چندین پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، اگرچه بیشتر آنها با رویکرد جامعه‌شناختی یا نظریه‌پردازی سیاسی نوشته شده‌اند ولی کمتر به‌عنوان راهبرد عملیاتی تحلیل شده‌اند. در حوزه سرمایه اجتماعی و نقش رهبری، عیوضی و فتحی (۱۳۹۱الف) در پژوهشی نشان داده‌اند که ویژگی‌های رهبری امام خمینی از جمله صداقت، ریسک‌پذیری، قدرت تخصصی و قدرت اخلاقی، زمینه‌ساز تولید «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد اجتماعی» میان مردم و رهبری بوده است. به باور ایشان، این سرمایه اجتماعی حاصل رابطه امامت و امت، عنصر اساسی در حفظ و تداوم نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (عیوضی و فتحی، ۱۳۹۱ب). در پژوهشی دیگر، به نسبت «مشارکت اجتماعی» و «سرمایه اجتماعی» در اندیشه امام پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که امام با احیای احساس تعلق (کشور مال خود شماست) و تکیه بر مشارکت داوطلبانه، توانست سرمایه اجتماعی گسترده و عمیقی ایجاد کند که زمینه‌ساز انقلاب و تداوم نظام شد. در سطح «انسجام اسلامی» (که در برخی آثار از آن به وحدت فراملی تعبیر شده)، فوزی توپسرکانی (۱۳۸۵) راهبرد ایجاد وحدت در اندیشه امام را مبتنی بر سه اصل «اسلام»، «استقلال» و «بیداری اسلامی» می‌داند و تأکید می‌کند که امام به دنبال وحدتی استراتژیک (عملی) در جهان اسلام بود. همچنین مصطفایی (۱۳۸۹) در بررسی «تعامل و همبستگی اجتماعی در مکتب امام خمینی»، ضمن مقایسه این مکتب با نظریات دورکیم، دارندورف و هابرماس، نتیجه گرفته که امام با محور قرار دادن قانون، نهادهای مدنی را ملزم به تبعیت از قانون بدون تبعیض می‌دانست و روش‌هایی مانند مشورت، گفت‌وگو، انتقاد و امر به معروف را بستری برای همبستگی اجتماعی قلمداد می‌کرد.

با این حال، بررسی آثار یادشده نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود عمدتاً در یکی از حوزه‌های علوم اجتماعی (سرمایه اجتماعی و مشارکت) یا روابط بین‌الملل متمرکز بوده‌اند. آنچه در این میان مغفول مانده، بررسی «انسجام اجتماعی» به‌عنوان ابزاری کلان در اندیشه و عمل امام خمینی برای شکل‌دهی به پایگاه اجتماعی انقلاب است. هیچ یک از پژوهش‌های به این پرسش اساسی پاسخ نداده‌اند که امام چگونه با استفاده از ابزارهای غیرمالی و غیراجباری مانند همدلی عاطفی توانست اقشار مختلف و حتی دارای منافع متعارض را حول یک محور مشترک متحد سازد.

پژوهش حاضر درصدد است تا این خلأ را تکمیل کند و با بهره‌گیری از مجموعه «صحیفه امام»، ابعاد مختلف راهبرد انسجام اجتماعی را در سه حوزه «مبانی نظری»، «روش‌ها و راهبردهای عملی» و «نتایج و پیامدها» در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی مورد تحلیل قرار دهد.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

انسجام اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در جامعه‌شناسی، همواره مورد توجه نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر بوده است. در این پژوهش، برای تحلیل راهبرد انسجام اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، از چهارچوب نظری ترکیبی استفاده شده است که شامل سه سطح تحلیلی هنجاری، کارکردی و عاطفی می‌باشد.

امیل دورکیم به عنوان بنیان‌گذار جامعه‌شناسی مدرن، در پاسخ به این سؤال بنیادی که «اجماع افراد چگونه در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد؟»، دو شکل از همبستگی را از هم تفکیک کرد: همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی (آرون، ۱۳۷۲، ص. ۳۴۵). همبستگی مکانیکی در جوامع ابتدایی و سنتی رواج دارد؛ جایی که افکار و گرایش‌های مشترک اعضای جامعه بر افکار و گرایش‌های شخصی آنان غالب است. در این جوامع، افراد همانند یکدیگرند، وجدان جمعی قدرتمندی بر جامعه حاکم است و همبستگی از راه همانندی ایجاد می‌شود (کوزر، بی تا، ص. ۱۹۰). در مقابل، همبستگی ارگانیکی در جوامع مدرن و پیشرفته حاکم است؛ جایی که افراد متفاوتند و هر کدام در رشته‌ای خاص تخصص دارند. در این جوامع، تقسیم کار اجتماعی، وابستگی متقابل افراد را افزایش می‌دهد و همبستگی از راه تفاوت‌ها و تمایزات شکل می‌گیرد (آرون، ۱۳۷۲، ص. ۳۴۸-۳۴۹). دورکیم وظیفه تقسیم کار را ایجاد احساس همبستگی و الفت معرفی می‌کند و تفاوت‌ها را مکمل یکدیگر می‌داند (تنهایی، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۳-۱۳۵). از نظر دورکیم، قواعد حقوقی، تبلور عینی همبستگی اجتماعی هستند؛ یعنی هر جا زندگی اجتماعی از دوام و قوام بیشتری برخوردار باشد، وضع قوانین حقوقی نیز بیشتر خواهد بود (همان).

تالکوت پارسونز بر «الگوهای تعمیم‌یافته ارزش‌های مشترک» به عنوان زیربنای نظم و انسجام اجتماعی تأکید دارد. از نظر پارسونز، هسته اصلی مسئله نظم در کم و کیف انسجام هنجاری است که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه می‌باشد (بشیری، ۱۳۹۴، ص. ۸۴-۸۵). به بیان دیگر، جوامع تنها زمانی می‌توانند منسجم باقی بمانند که تعاملات اجتماعی حول محور مجموعه‌ای از ارزش‌ها و بینش‌های مشترک تمرکز یافته باشند (بشیری، ۱۳۸۳، ص. ۷۹۰-۷۹۱).

رابرت پاتنام در نظریه سرمایه اجتماعی، انسجام را متشکل از سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌داند. از نظر پاتنام، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای میانجی مانند انجمن‌های مدنی، صنوف و تشکل‌های داوطلبانه کلید اصلی ایجاد و تداوم انسجام اجتماعی هستند (پاتنام، ۲۰۰۰؛ به نقل از نعمت‌الهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۸-۱۸۰). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و پیمودن راه‌های توسعه، ناهموار و دشوار می‌شود (همان).

مسعود چلبی با الهام از آراء دورکیم و پارسونز، نظریه «اختلال هنجاری» را برای تبیین تضعیف انسجام اجتماعی مطرح کرده است. او پنج شکل برای اختلال هنجاری در نظر می‌گیرد: قطبی شدن هنجاری، تضاد هنجاری، ناپایداری هنجاری، ضعف هنجاری و بی‌هنجاری (چلبی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۷-۱۱۲). به باور وی، تضاد هنجاری جامعه را به یک جامعه قطعه‌ای تبدیل کرده

و اعتماد متقابل تعمیم یافته را کاهش می دهد؛ تراکم روابط بین گروهی کاهش می یابد و انسجام کلی تضعیف می گردد (چلبی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۶-۱۱۷).

بر اساس چارچوب ترکیبی فوق، انسجام اجتماعی در این پژوهش به عنوان فرآیندی چندبعدی تعریف می شود که در سه سطح هنجاری (اشتراک ارزش ها و باورها)، کارکردی (شبکه ها و نهادهای پیونددهنده) و عاطفی (همدلی و اعتماد متقابل) تحقق می یابد. امام خمینی با تأکید بر محوریت اسلام، عدالت خواهی، نفی سلطنت، پیوند معنویت و سیاست، و نفی تفرقه، نظام ارزشی مشترک برای جامعه ترسیم کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۲۶۶؛ ج ۴، ص. ۵۳) که با «وجدان جمعی» دورکیم و «ارزش های مشترک» پارسونز همخوانی دارد. ایشان با شبکه سازی از طریق اجازه نامه های شرعی برای روحانیون، ارتباط مستقیم با اقشار مختلف، و پرهیز از انحصارطلبی، ساختاری نهادی برای انسجام ایجاد کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۵۷-۶۶؛ ج ۴، ص. ۴۴۰-۴۴۱) که با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام قابل تطبیق است. همچنین با همدلی عاطفی، دلجویی از خانواده های شهدا، رسیدگی به نیازهای مبارزان، و نامه های شخصی سرشار از محبت، پیوندی عاطفی با توده های مردم برقرار کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۹۶؛ ج ۳، ص. ۴۳۰).

بنابراین، راهبرد امام خمینی در ایجاد انسجام اجتماعی، بر خلاف بسیاری از نظریه های رایج که صرفاً بر یک سطح تأکید دارند، به صورت هم زمان در هر سه سطح عمل کرده و با تکیه بر منابع معنوی و قرآنی به ویژه مفهوم «تألیف قلوب»، توانست انسجامی فراگیر در تاریخ معاصر ایران ایجاد کند.

### ۳. مفهوم شناسی

در ادامه مفهوم شناسی انسجام اجتماعی و جایگاه آن در قرآن و سنت مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی

«انسجام» در لغت به معنای پیوستگی، به هم پیوستگی، هماهنگی و یکپارچگی اجزای یک مجموعه با یکدیگر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۴۱۲). «اجتماعی» نیز به زندگی جمعی انسان ها و روابط متقابل آنان اشاره دارد. (بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۱۵) بنابراین «انسجام اجتماعی» به معنای یکپارچگی، هماهنگی و پیوستگی میان افراد و گروه های یک جامعه است به گونه ای که اجزای مختلف جامعه در کنار یکدیگر، یک کل منسجم و هماهنگ را تشکیل دهند.

در اصطلاح، انسجام اجتماعی حالتی است که در آن اجزای جامعه به دلیل همگونی ماهوی، ساختاری یکپارچه پدید می آورند. این مفهوم بر اساس معیارهای گوناگون، انواعی دارد: انسجام قومی (عرفی) که مبتنی بر باور اعضای جامعه به وجود عنصری مشترک و خالص است؛ انسجام فرهنگی که به اشتراک تمام جمعیت در یک فرهنگ واحد و فراگیر اشاره دارد؛ و انسجام کارکردی (وظیفه ای) که به هماهنگی در سطح عمل، اندیشه و نهادهای اجتماعی معنا می شود (ذبیان، ۱۹۹۰م، ص. ۷۲). در این

پژوهش، «انسجام اجتماعی» به عنوان فرآیند ایجاد الفت، اعتماد، همبستگی و همکاری میان اقشار مختلف جامعه حول ارزش‌ها و اهداف مشترک تعریف می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳-۲. جایگاه انسجام اجتماعی در قرآن و سنت

مفهوم انسجام اجتماعی در اندیشه سیاسی اسلام و به‌ویژه در آثار امام خمینی، از پشتوانه قرآنی و روایی برخوردار است. قرآن کریم با تعبیری چون «أَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران/۱۰۳) و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰)، به این حقیقت اشاره دارد که ایمان، بنیانی‌ترین عامل پیوند و همبستگی میان انسان‌هاست.

خداوند متعال در آیات متعددی بر الفت و همبستگی دل‌ها تأکید و منت نهاده است. در آیه «لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ» (انفال/۶۳)، این نعمت را چنان والا معرفی می‌کند که فراتر از توانایی‌های بشری و ابزارهای مادی است. مفسران در تبیین این آیه آورده‌اند که خداوند، رسول خدا (ص) را با ایجاد الفت میان دل‌های مؤمنان کفایت نموده است. این دلیلی است مطلق که ملاک آن عمومی و شامل حال همه مؤمنان می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷). نکته قابل تأمل اینکه قرآن کریم این آیه را در بستری نازل کرده که دشمنان پیشنهاد صلح می‌دهند و پیامبر نگران نیرنگ آنان است. خداوند در پاسخ می‌فرماید: نگران نباش؛ همان خدایی که تو را با یاری مؤمنان حمایت می‌کند، دل‌های آنان را نیز به هم پیوند می‌دهد. از این رو، پیروزی نهایی در گرو تعداد نیست، بلکه در گرو همبستگی قلبی و انسجام عاطفی است.

اهمیت این نعمت وقتی آشکارتر می‌شود که به سابقه دشمنی‌های ریشه‌دار در میان قبایل عرب، به ویژه دو قبیله اوس و خزرج در یثرب توجه شود. این دو قبیله سالیان دراز جنگ‌های خونینی با یکدیگر داشتند، اما به برکت نزول اسلام و عنایت الهی، این دشمنی دیرینه جای خود را به برادری و الفت داد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷).

در سیره نبوی، ایجاد الفت و همبستگی حتی با کسانی که سابقه دشمنی داشتند، یکی از راهبردهای اصلی بود. پیامبر اکرم (ص) با اخلاق کریمانه خود، دل‌های دشمنان سابق را نیز جذب می‌کرد. در جریان غزوه حنین، ایشان با محبت و بخشش توانست قلوب سران قریش را که اخیراً مسلمان شده بودند، به خود نزدیک کند و آنان را به بخشی از جامعه مسلمان تبدیل نماید (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲۵، ص ۳۲۰). این رفتار نبوی الگویی برای امام خمینی بود تا با تکیه بر اخلاق و محبت، اقشار مختلف را حول انقلاب متحد سازد.

<sup>۱</sup> - برای پرهیز از هرگونه خلط مفهومی، ذکر این نکته ضروری است که منظور از «انسجام اجتماعی» در این مقاله، معنای فقهی خاص «مؤلفه قلوبهم» نیست که در فقه اسلامی به عنوان یکی از مصارف هشت‌گانه زکات، برای جذب قلوب کافران یا تثبیت مسلمانان تازه‌مسلمان به کار می‌رود. بلکه مراد، معنای قرآنی و راهبردی ایجاد الفت و همبستگی میان نیروهای اجتماعی است. تفاوت اساسی این دو در آن است که معنای فقهی عمدتاً مبتنی بر ابزارهای مالی (اختصاص سهمی از زکات) و ناظر به گروه‌های خاص (کافران یا ضعفاء عقیده) است، در حالی که انسجام اجتماعی در اندیشه امام خمینی بر روش‌های غیرمالی، عاطفی، معنوی و سیاسی تکیه دارد و همه اقشار جامعه را در بر می‌گیرد. از این رو، آنچه در این مقاله دنبال می‌شود «انسجام اجتماعی» به معنای قرآنی و عرفی آن است.

بررسی سیره ائمه (ع) نشان می‌دهد که ایشان در برخورد با مخالفان، ملاک را مصلحت حفظ اسلام و گسترش حدود الهی قرار می‌دادند. از آنجا که حفظ وحدت مسلمین در برابر جهان کفر ضروری بود، همواره از تفرقه‌افکنی پرهیز می‌کردند. در این نگاه، اصل وحدت اسلامی از چنان اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بر بسیاری از حقوق و واجبات مخصوص به ائمه (ع) تقدم دارد (حکیم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). ائمه (ع) با حاکمان جائز هرگز همکاری نمی‌کردند، اما در مواقعی که مصلحت اسلام اقتضا می‌کرد، از درگیری مستقیم پرهیز می‌نمودند. امام حسین (ع) در زمان معاویه قیام نکرد، ولی ماهیت ضد دینی او را افشا می‌ساخت. آنگاه که در زمان یزید شرایط فراهم شد، بدون اغماض قیام کرد تا جلوی انحرافات گرفته شود (پیشوایی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۱-۱۴۷). از سوی دیگر، امام باقر (ع) برای حفظ استقلال اقتصادی مسلمین، پیشنهاد ضرب سکه به حکومت وقت داد (همان، ص ۹۵).

آنچه از این آیات، روایات و سیره ائمه برمی‌آید این است که انسجام اجتماعی راهبردی اساسی در اسلام برای ایجاد اتحاد و مقابله با تفرقه است. امام خمینی نیز با بهره‌گیری از همین معنای قرآنی «أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»، در بستر مبارزات معاصر ایران، این مفهوم را توسعه داد و از آن راهبردی فراگیر برای ائتلاف نیروهای مختلف اجتماعی پدید آورد.

#### ۴. مبانی نظری انسجام اجتماعی در اندیشه امام خمینی

انسجام اجتماعی در اندیشه امام خمینی، ریشه در مبانی نظری داشت که برگرفته از قرآن و سنت بود. این مبانی، ایجاد الفت میان اقشار جامعه را ضرورتی برای تحقق اهداف الهی و اجتماعی می‌دانست. مهمترین این مبانی عبارتند از:

##### ۱-۴. اسلام؛ محور وحدت و الفت بخشی

امام خمینی در اندیشه خود، اسلام را به عنوان محور اصلی وحدت و الفت میان اقشار مختلف جامعه معرفی می‌کردند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰). ایشان بر این باور بودند که قرآن کریم و اسلام ناب، نقطه اتکایی برای گردهم آوردن همه مسلمانان و حتی تمامی انسان‌های آزادی‌خواه است. در این باره می‌فرمایند: «در بین مسلمین قرآن نقطه اتکاست که همه با هم مجتمع می‌شوند در آن؛ روحانیت مورد اتکاست که همه با هم مجتمع می‌شوند در آن. الآن که ایران قیام کرده است بحمدالله، الآن هم نقطه اتکا همین روحانین هستند و همین اسلام است. همه مردم الآن فریاد اسلام می‌زنند، همه مردم فریاد حکومت اسلامی می‌زنند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۳).

این بیانات نشان می‌دهد که امام، اسلام را کانون همگرایی عملی معرفی می‌کند که با «وجدان جمعی» دورکیم قابل تطبیق است. اما نوآوری امام در این است که بر خلاف رویکرد صرفاً ستی، این وجدان جمعی را با مبارزه سیاسی و عدالت‌خواهی پیوند می‌زند و آن را از امر اخروی-فردی به راهبرد جمعی-سیاسی تبدیل می‌کند. این همان نقطه‌ای است که انسجام هنجاری را به انسجام کارکردی متصل می‌سازد.

نگاه جامع به اسلام، ریشه در برداشت ایشان از دین به عنوان برنامه کامل زندگی دارد. امام اسلام را دینی می‌دانند که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه دارد: «اسلام مثل مذاهب دیگر، یعنی مذاهبی که حالا ظاهرش به ما رسیده، آن طور نیست. همه چیزهای انسان را می‌سازد. هم انسان را از حیث عقل می‌سازد، هم انسان را از حیث اخلاق و تهذیب اخلاق می‌سازد، هم انسان را از حیث ظاهر و آداب ظاهری می‌سازد، هم در همه اموری که انسان به آن احتیاج دارد، اسلام دخالت دارد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۴۹).

## ۲-۴. عدالت‌خواهی و دفاع از محرومان

یکی از مهمترین ارکان نظری انسجام اجتماعی در اندیشه امام، تأکید بر عدالت اجتماعی و دفاع از طبقات محروم و مستضعف جامعه است (سالاروند، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰). ایشان با ترسیم وضعیت موجود و نقد تبعیض‌های فاحش طبقاتی، توانستند همدلی میان توده‌های مردم ایجاد کنند (خسروپناه، ۱۳۹۵، ص ۸۲۴). در این باره می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم یک حکومت الهی باشد موافق میل مردم، رأی مردم، و موافق حکم خدا... خدا می‌خواهد که به حال این ضعفا و طبقه سوم یک فکری بشود نه مثل حالا که همه قدرتها را روی هم گذاشتند، یک عده‌ای می‌خورند تا تخمه می‌کنند، یک عده‌ای از گرسنگی ریختند اطراف تهران، و نه آب دارند و نه برق دارند و نه نان دارند و نه چیزی دارند. می‌خواهد عدالت باشد!» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۶۱).

در آستانه قیام امام، یکی از آسیب‌های اساسی جامعه، شکاف عمیق طبقاتی و بهره‌کشی سرمایه‌داران و طبقه مرفه از قشرهای محروم و مستضعف بود (اسحاقی، ۱۳۸۷، ص ۸۳). پس از دستگیری امام در سال ۱۳۴۲ اگرچه تحت نظر بودند اما از فکر کمک به مردم محروم و مستمند غافل نبودند، لذا در زمستان طی نامه‌ای به فرزندشان او را مأمور کردند مبلغ شصت هزار تومان از سهم مبارک امام (ع) را صرف کمک و تهیه وسایل لازم برای افراد بی‌بضاعت شهرستان قم و دیگر شهرها کنند و از عموم مردم نیز خواستند که در این امر خدایسند شرکت نمایند (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۱۶).

ایشان در جای دیگری با افشای شکاف طبقاتی، به تصویرسازی از وضعیت اسفبار محرومان در برابر ثروت خاندان پهلوی می‌پردازند: «زاغه‌نشینی دهقانان» در جنوب تهران در مقابل «پنج میلیون دلار خرج گلکاری و تزئینات گل ویلای یکی از خواهرهای شاه» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، صص ۶۸ و ۸۷). قطب‌بندی میان «محرومان» و «مرفهان بی‌درد»، پایگاه اجتماعی انقلاب را به تمامی سطوح جامعه گسترش داد.

این تصویرسازی دوگانه، مرزبندی هنجاری میان محرومان و مرفهان را ترسیم می‌کند. امام با معرفی «دشمن مشترک» (رژیم شاه)، همبستگی محرومان را در مقابل نظام سلطنتی افزایش می‌دهد.

## ۳-۴. نفی سلطنت و تأکید بر حاکمیت مردمی

از دیگر مبانی نظری مهم در اندیشه امام، نقد رژیم سلطنتی و ارائه الگوی جایگزین حکومت مبتنی بر آرای مردم بود (ظفرقندی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴). ایشان سلطنت را رژیمی غلط و نامشروع معرفی می‌کردند: «رژیم سلطنتی از اول یک چیز غلطی

بوده. چه معنی دارد که یک نفر آدم که مثل همه ماها هست، اکثر آنها هم از همه این جمعیتها کمتر بوده‌اند، ادراکاتشان هم کمتر بوده، اکثراً این جور بوده‌اند... آن وقت آن شد شخص اول و شد شاه» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۹۲).

در مقابل، ایشان «جمهوری اسلامی» را به عنوان الگوی مطلوب حکومتی مطرح کردند که مبتنی بر آرای عمومی است: «من جمهوری اسلامی را به ملت ایران پیشنهاد کرده‌ام که بعد از سقوط شاه به آرای عمومی می‌گذاریم و هیچ گروه و شخصی نمی‌تواند با خواست ملت ایران، مخالفت کند» (همان، ج ۴، ص ۴۴۰). چنین نگاهی، همدلی روشنفکران و گروه‌های سیاسی خواهان دموکراسی را جلب می‌کرد.

#### ۴-۴. همبستگی امت اسلامی به مثابه رسالت انبیا

امام خمینی ایجاد همبستگی و الفت میان مردم را رسالت اصلی انبیا و اساس حرکت‌های الهی معرفی می‌کنند. ایشان تأکید می‌کنند: «نبوت اصلاً آمده است، نبی اصلش مبعوث است برای اینکه قدرتمندهایی که به مردم ظلم می‌کنند پایه‌های ظلم آنها را بشکنند»<sup>۱</sup> (همان، ج ۴، ص ۱۶۲). امام با این بیان، انسجام اجتماعی را رسالت الهی انبیا معرفی می‌کند. این رویکرد، مبارزه با ظلم را به تکلیفی دینی تبدیل می‌سازد که فراتر از منافع مادی عمل می‌کند.

ایشان با استناد به حدیث نبوی «من أصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»، مشارکت در نهضت را «تکلیف دینی» و ضرورت توجه به «مصلحت امت» معرفی می‌کنند (همان، ج ۴، ص ۱۱۰). بیان امام انگیزه‌ای فرامادی و اخروی به مبارزه بخشید که آن را در مقابل سرکوب، مقاوم‌تر می‌کرد.

#### ۴-۵. نفی تفرقه و تأکید بر وحدت کلمه

در اندیشه امام تفرقه بزرگ‌ترین آفت جوامع اسلامی و مهمترین عامل عقب‌ماندگی آنان است (خسروپناه، ۱۳۹۵، ص ۲۸۶). ایشان ریشه اصلی عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی را در تفرقه‌ای می‌دانستند که توسط استعمار طراحی و اجرا شده بود: «از اختلافات و نفاق‌های خانمانسوز و ذلت‌بار دست برداشته، دست برادری به هم داده صفوف خود را فشرده و متشکل سازند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱). ایشان اختلافات قومی و اختلافات حزبی را حاصل «نقشه‌های شیطانی» قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از اتحاد مسلمین می‌دانستند (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۵؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۳۵).

در مقابل، وحدت کلمه را عامل پیروزی معرفی می‌کنند: «باید بدانیم تا اختلاف بین طبقات ملت خصوصاً بین روحانیون و دانشجویان با روشنفکرانشان وجود دارد باید از پیروزی مأیوس باشیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۶۶).

<sup>۱</sup> - اشاره امام در سخنرانی ۴ آبان ۱۳۵۷، به ولادت پیامبر اکرم (ص) به عنوان مبدأ خاموش شدن آتشکده‌ها و فرو ریختن کاخ‌های ظلم.

## ۵. موانع و چالش‌های انسجام اجتماعی

فرآیند انسجام اجتماعی و ایجاد همدلی و وحدت میان اقشار مختلف جامعه، با موانع و چالش‌های متعددی مواجه بود. امام این موانع را شناسایی و برای خنثی‌سازی آنها راهبردهای مناسبی ارائه کردند. در این بخش، مهمترین موانع و چالش‌های فراروی انسجام اجتماعی در مسیر شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

### ۱-۵. تبلیغات سوء دشمن

یکی از مهمترین موانع انسجام اجتماعی، تبلیغات گسترده و هدفمند رژیم پهلوی و حامیان غربی آن برای ایجاد تصویری منفی از اسلام، روحانیت و مبارزان بود. امام در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه (۳ آبان ۱۳۵۷) به این مسئله اشاره کردند: «در غرب فکر می‌کنند که رفتن شاه یک خلأ خطرناک به وجود می‌آورد. آیا می‌توانید سازش موقتی را با این سلسله، شاه یا فرزندش، به شرط آنکه واقعاً سلطنت کند و نه حکومت، مورد توجه قرار دهید؟ ... این خلئی که شما از آن صحبت می‌کنید هم اکنون وجود دارد؛ و مشخصه رژیم‌هایی نظیر رژیم شاه، این است که کشور را میان بن بست و خلأ نگاه می‌دارند» (همان، ج ۴، صص. ۱۴۷-۱۴۶).

رژیم پهلوی با استفاده از واژه‌هایی مانند «ارتجاع سیاه» و «ملاهای ارتجاعی» تلاش می‌کرد چهره‌ای منفی از روحانیت ارائه دهد. امام در سخنرانی ۲۲ مهر ۱۳۵۷ در پاسخ به این تبلیغات فرمودند: «نه، ارتجاع نیست. شما مرتجع هستید که تاریخ فعلی ما را برگردانید به تاریخ ۲۵۰۰ سال قبل و تاریخ گبرها؛ این ارتجاع است» (همان، ج ۴، ص. ۲۱۱).

### ۲-۵. سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن

ایشان با اشاره به نمونه روشن فلسطین، این استدلال را به چالش کشیدند: «امریکا پشت سر اسرائیل است... خیر، بی‌عرضه هستید! ... اگر این قدرت، قدرت صد میلیونی عرب با هم مجتمع بشوند، امریکا هم نمی‌تواند کاری بکند» (همان، ج ۴، ص. ۲۳۴). در پیام ایشان به سران دولت‌های اسلامی و ملل مسلمان به مناسبت جنگ سوم اعراب و اسرائیل (۱۶ مهر ۱۳۵۲) آمده است: «از اختلافات و نفاق‌های خانمانسوز و ذلت‌بار دست برداشته، دست برادری به هم داده صفوف خود را فشرده و متشکل سازند» (همان، ج ۳، ص. ۱).

امام در بخشی از تحلیل‌های خود، به مصادیق عینی تفرقه‌افکنی اشاره می‌کنند که توسط «دولت‌های خودمان» و با هدف مشغول‌سازی نیروهای مؤمن طراحی می‌شدند. ایشان با اشاره به جنجال‌های پیرامون کتاب شهید جاوید و ماجرای مرحوم «شمس‌آبادی»، این موارد را نمونه‌هایی از نقشه‌هایی می‌دانند که در آستانه ماه‌های محرم و رمضان (ماه‌های اجتماع) برای هدر دادن قوای مسلمین و ایجاد اختلاف میان اهل منبر و مردم پیاده می‌شد (همان، ج ۴، ص. ۲۳۶).

### ۳-۵. جریان‌های انحرافی و وابسته

امام جریان‌هایی را که به نام انقلاب اما به سود رژیم فعالیت می‌کردند، شناسایی و افشا می‌کردند. در سخنرانی ۴ آبان ۱۳۵۷ می‌فرمایند: «یک تعجب هم از این جوانهای خودمان! بعضی شان البته، که اینها گول خوردند از این دستگاه، با صورتهای مختلف اینها را گول زدند، من جمله اینها را وادار کردند، آن بزرگترهاشان وادار کردند این کوچکترها را، که در دانشگاه یک شعارهایی بدهند که این شعارها را شعارهای غیر اسلامی و غیر ملی می‌دانند که مردم بترسند اگر شاه برود، کمونیست خواهد شد! اینها آلت دست واقع شدند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص. ۱۴۱).

#### ۴-۵. اختلافات داخلی و مناقشات جزئی

یکی از چالش‌های فراروی انسجام اجتماعی، اختلافات داخلی میان نیروهای مبارز و مناقشات جزئی بود که انرژی آنان را هدر می‌داد. امام با حساسیت نسبت به این مسئله، در نامه‌ای به آقای یزدی از اختلافات در حوزه علمیه قم ابراز نگرانی کرده و تأکید کردند که در شرایطی که اصول احکام در دستبرد اجانب است، این تفرقه‌ها و تکفیرها موجب تأسف است (همان، ج ۲، ص. ۳۴۱). ایشان در نامه‌ای دیگر بر ضرورت آشتی میان دو تن از یاران خود تأکید کرده، ارزش اندک عمر را یادآور شدند که چرا باید با این اختلافات، انسان‌دوست‌ها را رنجاند (همان، ج ۲، ص. ۳۳۹). در پیام ۱ شهریور ۱۳۵۷ به «نهضت آزادی ایران در خارج» نیز ضمن هشدار درباره سرگرم شدن به مناقشات جزئی در شرایط حساس مبارزه، تأکید کردند که «سستی و سردی و سرگرم شدن به مسائل جزئی انتحار است؛ انتحاری فضاقت بار» (همان، ج ۳، ص. ۴۴۷).

#### ۵-۵. ایجاد شکاف میان نسل جوان و روحانیت

امام با هوشیاری نسبت به توطئه دشمن برای ایجاد شکاف میان نسل جوان و روحانیت، به افشای این سیاست تفرقه‌افکنانه پرداخته‌اند. ایشان در پیام ۱۱ دی ۱۳۴۸ به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان فارسی‌زبان در اروپا، با اشاره به نقش استعمار در ایجاد فاصله عمیق میان جوانان و مسائل دین، تأکید کردند که این توطئه با بد معرفی کردن روحانیون به جوانان و بالعکس، وحدت فکری و عملی را از بین برده و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز کرده است (همان، ج ۲، ص. ۲۵۵). در سخنرانی ۱۰ آبان ۱۳۵۶ خطاب به روحانیون، آنان را از طرد جوانان دانشگاهی برحذر داشتند و با یادآوری اینکه آینده مملکت در دست این دانشگاهیان است، تأکید کردند: «شما این‌ها را برای خودتان حفظ کنید. هی طرد نکنید؛ هی منبر نروید و بد بگویید. منبر بروید و نصیحت کنید، نه منبر بروید و فحش بدهید» (همان، ج ۳، ص. ۲۴۹).

#### ۶. ابزارها و روش‌های انسجام اجتماعی

امام برای تحقق انسجام اجتماعی و ایجاد پایگاه اجتماعی گسترده برای انقلاب اسلامی، از ابزارها و روش‌های متنوع بهره گرفتند. این ابزارها که مبتنی بر شناخت ایشان از جامعه ایران و نیازهای اقشار مختلف بود، توانست شبکه‌ای گسترده از نیروهای اجتماعی معتقد و متعهد را پیرامون اهداف مشترک انقلاب ساماندهی کند. مهمترین این ابزارها و روش‌ها عبارتند از:

#### ۱-۶. شبکه‌سازی و ارتباط با روحانیون

امام با صدور اجازه‌نامه‌های شرعی برای روحانیون سراسر ایران، شبکه‌ای منظم و مؤثر برای انسجام‌بخشی و شکل‌دهی به پایگاه اجتماعی انقلاب ایجاد کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۷). این اجازه‌نامه‌ها که با تعبیری چون «عمادالاعلام» و «ثقة الاسلام» خطاب به روحانیون صادر می‌شد، ضمن منزلت‌بخشی به آنان و زمینه‌سازی برای اعتماد مردم (همان، ج ۱، صص ۵۷-۶۶)، با توصیه به تقوا و اخلاق، ارکان اصلی انسجام اجتماعی را تقویت می‌کرد (همان، ج ۱، ص ۵۷). همچنین اجازه در اخذ وجوه شرعی و صرف آن در ترویج دیانت، مأموریت فرهنگی و تبلیغی این روحانیون را شکل می‌داد که با ایجاد ارتباط عاطفی با مردم، جلب اعتماد آنان را ممکن می‌ساخت (همان، ج ۱، ص ۵۷).

این شبکه که به روحانیون شهرهای مختلف ایران و حتی مناطقی در افغانستان صادر شده بود (همان، ج ۲، صص ۲۵۲-۲۷۱)، کارکردهای متعددی داشت: اعتمادآفرینی از طریق ایفای نقش واسطه میان مردم و رهبری که در مواقع حساسی چون قیام ۱۵ خرداد و مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون فعال می‌شد (همان، ج ۱، صص ۳۹۹-۴۰۲)، نهادسازی دینی با سهم کردن روحانیون در امور حسبه و شرعیه (همان، ج ۲، ص ۶۹)، مدیریت مالی مبارزه با جمع‌آوری و توزیع منظم وجوه شرعی برای حمایت از حوزه‌های علمیه و خانواده‌های نیازمند مبارزان (همان، ج ۱، ص ۳۹۶)، و وحدت‌بخشی به نیروهای مبارز با تأکید بر تشکیل جلسات منظم و هفتگی روحانیون برای ترویج شریعت و مقابله با دشمنان (همان، ج ۱، ص ۳۴۹).

این شبکه‌سازی، منطبق با سطح کارکردی انسجام در نظریه پاتنام است. امام با اعطای اجازه‌نامه، روحانیون را به کارگزاران انسجام در سطح محلی تبدیل کرد که واسطه اعتماد بودند و نظامی برای حمایت مالی از مبارزه ایجاد کردند.

## ۲-۶. ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با اقشار

یکی از برجسته‌ترین راهبردهای امام در فرآیند انسجام اجتماعی، برقراری ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با اقشار مختلف جامعه بود. ایشان با درک اهمیت پیوند عاطفی با مردم، می‌کوشیدند دیوارهای فاصله‌آفرین میان رهبری و پیروان را از میان بردارند و رابطه‌ای صمیمی با تمامی گروه‌های اجتماعی برقرار کنند (همان، ج ۱، ص ۹۴).

امام با بازاریان که از نخستین حامیان نهضت بودند، پیوند برقرار کرد. در سخنرانی ۶ آبان ۱۳۴۱ در جمع کسبه بازار تهران، با نفی هرگونه توقع تشکر، رابطه خود و مردم را وظیفه‌محور تعریف کردند (همان، ج ۱، صص ۸۲ و ۸۷) و دیدار ۲ آذر ۱۳۴۱ نیز با تأکید بر ادامه مبارزه تداوم یافت (همان، ج ۱، ص ۹۴). امام با نفی «توقع تشکر»، خود را در جایگاه خادم قرار می‌دهد و سرمایه عاطفی و اعتماد را افزایش می‌دهد. این رویکرد، بازار را به ستون اصلی انسجام کارکردی تبدیل می‌کند.

توجه ویژه به دانشجویان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی انقلاب، از دیگر جلوه‌های این راهبرد بود. امام در دیدار ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۲ با اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران فرمودند: «از شما جوانان برومند انتظار زیادی داریم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹۱). ایشان در پیام ۱۱ دی ۱۳۴۸ به دانشجویان اروپا، توطئه استعمار در ایجاد فاصله میان جوانان و روحانیون را افشا کردند (همان، ج ۲، ص ۲۵۵). و در پیامی دیگر، دانشجویان را «چشم امید» خود در تبعیدگاه خواندند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲).

ص. ۴۸۶). امام با افشای توطئه استعمار برای ایجاد شکاف میان نسل جوان و روحانیون، این تهدید را به فرصت تبدیل می‌کند و دانشجویان را به متحدان استراتژیک انقلاب تبدیل می‌سازد.

امام با تمجید از نقش زنان در مبارزات، به آنان شخصیت و جایگاه اجتماعی بخشیدند. در مصاحبه ۲۰ آبان ۱۳۵۷ با مجله القومی العربی، از «زنان شیردل و شجاع» و حضور آنان در تظاهرات خبر دادند (همان، ج ۴، ص. ۴۴۰) و در مصاحبه با خبرنگار آلمانی، آزادی زنان در تحصیل و کار را تضمین کردند (همان، ج ۴، ص. ۴۸۰).

اقلیت‌های مذهبی نیز مورد توجه امام قرار گرفته‌اند. امام در ۱۹ آبان ۱۳۵۷ فرموده‌اند: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی خود آزادند و حکومت اسلامی موظف به دفاع از حقوق آنان است» (همان، ج ۴، ص. ۴۴۱).

همدلی با محرومان و کارگران، نقش مهمی در جلب اعتماد توده‌ها داشت. امام در پیام ۲۴ آبان ۱۳۵۷ به کارکنان شرکت نفت، اعتصاب آنان را «پر ارزش» و «مقدس» خواند (همان، ج ۴، ص. ۴۹۸). و در نامه‌ای به فرزند خود درباره فقرای قم، نگرانی خود را ابراز داشت (همان، ج ۱، ص. ۲۶۰).

ارتباط مستقیم امام با اقشار مختلف دارای ویژگی‌های مشترکی بود: خطاب فراگیر به همه گروه‌های اجتماعی (همان، ج ۱، ص. ۱۹۹)، همدلی عاطفی عمیق با مردم (همان، ج ۳، ص. ۴۴۶)، و پاسخگویی به دغدغه‌های گروه‌های گوناگون (همان، ج ۴، ص. ۴۸۰).

### ۳-۶. همدلی عاطفی با مردم

یکی از ابعاد انسجام اجتماعی در سیره امام، همدلی عاطفی ایشان با مردم بود. این همدلی صادقانه، فراتر از ارتباطات رسمی و سیاسی، در قالب نامه‌های شخصی، دلجویی از خانواده‌های داغ‌دیده، و توجه ویژه به محرومان و مستضعفان جامعه تجلی می‌یافت. این رفتار محبت‌آمیز، پیوندی ناگسستنی میان رهبری و توده‌های مردم ایجاد کرد که از مهمترین عوامل شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب بود (همان، ج ۱، ص. ۱۹۶).

#### ۱-۳-۶. نامه‌های شخصی و ایجاد پیوند عاطفی

نامه‌های شخصی امام به اطرافیان و نزدیکان، نمونه‌های روشنی از ایجاد الفت و همدلی عاطفی در سطح خرد است که با وجود مختصر بودن، سرشار از محبت و توجه بودند. برای نمونه، در نامه به همسر خویش با تعبیر «تصدقت شوم» ابراز محبت کرده، از تأخیر در پاسخ عذرخواهی می‌نمایند و از وضعیت سلامت خود و دعا برای مخاطب می‌گویند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۶۵). همچنین در نامه‌ای دیگر ضمن اعلام سلامتی خود و فرزندشان، بر رضایت به تقدیر الهی تأکید می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۴۳۹). این رویه محبت‌آمیز در نامه‌های ایشان به برادر (همان، ج ۱، ص. ۴۳۸) و دخترشان (همان، ج ۲، ص. ۴۵۲) نیز تکرار شده است. نامه‌های شخصی در فضای پرتنهاب آن سال‌ها، موجب دلگرمی و استواری یاران انقلاب می‌شد و حلقه‌های عاطفی نهضت را مستحکم می‌کرد.

## ۲-۳-۶. دلجویی از خانواده‌های شهدا و مصیبت‌زدگان

یکی از مهمترین جلوه‌های همدلی عاطفی امام، دلجویی از خانواده‌های شهدا و مصیبت‌زدگان بود. ایشان در پیام خود درباره چهلیم شهدای مدرسه فیضیه، با توصیف دیدار پدر داغدار رودباری، این پرسش تأثرانگیز را مطرح کردند که «با چه زبان می‌شود مادرهای فرزندمرده و پدرهای غم‌دیده را تسلیت داد؟» (همان، ج ۱، ص ۱۹۶). همدلی، تنها به ابراز همدردی عاطفی محدود نماند، بلکه اقدام عملی را نیز در پی داشت؛ چنانکه پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امام ضمن دیدار با خانواده شهدا و دلجویی از آنان، دستور حمایت مادی از این خانواده‌ها را صادر کردند. براساس گزارش ساواک در ۲۲ فروردین ۱۳۴۳، ایشان برای خانواده‌های دارای وضعیت خوب، حواله یک هزار تومان و برای خانواده‌های نیازمند، حواله سه هزار تومان صادر کردند (به نقل از خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷۹). این اقدام، هم‌آمیزی سطح عاطفی و کارکردی انسجام است. امام با دلجویی عاطفی و حمایت مالی، همبستگی را به سرمایه اجتماعی پایدار تبدیل می‌کند.

همدلی امام با مردم، تنها به مصادیق داخل کشور محدود نمی‌شد. ایشان در دوران تبعید در نجف نیز همواره خود را در جریان رنج‌های مردم ایران می‌دانستند. یکی از نزدیکان ایشان نقل می‌کند: «در نجف که هوا خیلی گرم بود امام کولری در منزل نداشتند... علت این بود که مرتب خبر می‌آوردند که مردم ایران در زندان تحت شکنجه‌اند؛ حتی در نجف با پنکه، کولرهای دستی درست می‌کردند که از هوای زیر زمین استفاده می‌شد و ما می‌خواستیم که در منزل امام هم این کار بشود، ولی آقا اجازه نمی‌دادند» (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۲).

## ۳-۳-۶. رسیدگی به نیازهای مادی مبارزان و خانواده‌های آنان

امام با رسیدگی به مشکلات مادی مبارزان و خانواده‌های آنان، جلب محبت و ایجاد الفت با آنان می‌پرداختند. ایشان در نامه‌ای به آقای اشراقی (۲۸ تیر ۱۳۵۷) نوشته‌اند: «از قرار مسموع آقای خزعلی برای نرفتن منبر و محدود بودن گرفتاری مادی پیدا کرده‌اند جنابعالی به وسیله آقای غفاریان از ایشان استفسار کنید و آنچه گرفتاری دارند رفع کنید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۳۰). همچنین ایشان در پیامی به ملت ایران (۵ مرداد ۱۳۵۷) تأکید کرده‌اند: «اگر کسی به واسطه مجروح شدن و یا از دست دادن عزیزش احتیاج مادی دارد لازم است به بهترین وجه برآورده شود، یا هر چه زودتر به من مراجعه شود تا با تمام طاقت به آنان رسیدگی نمایم» (همان، ج ۳، ص ۴۳۳).

امام در دوران تبعید در نجف، با وجود گرمای شدید و اصرار اطرافیان برای استفاده از هوای خنک‌تر کوفه، به دلیل هم‌دردی با زندانیان و تبعیدی‌های ایرانی که در زندان‌های رژیم تحت شکنجه بودند، از این کار خودداری کردند. ایشان در این باره فرمودند: «من خجالت می‌کشم. الآن خیلی از اشخاص هستند... در زندان‌های رژیم هستند و یا در مناطق سخت... تبعید شده‌اند، و تحت شکنجه هم هستند، آن وقت من بخواهم به کوفه بروم؟ شما هم اصرار نکنید چون این مطلب شدنی نیست» (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۰).

#### ۴-۳-۶. تأکید بر خدمت بی‌چشمداشت به مردم

امام روحانیت را خدمتگزار دین و مردم معرفی می‌کردند و تأکید داشتند که محبوبیت علما در نزد مردم به دلیل خدمت خالصانه آنان به دین است: «علما و روحانیت خدمتگزار دین هستند؛ لذا آنها را دوست می‌دارند؛ و آلا اگر فهمیدند که برای دنیاست و برای حبّ ریاست است و امثال آن، هیچ اعتنایی به آنها نمی‌کنند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۷۴). اینگونه نگاه، موجب اعتماد و ارتباط عمیق عاطفی میان مردم و رهبری نهضت می‌شد که خود از مصادیق بارز همدلی و الفت ملی بود.

#### ۴-۶. افشای چهره واقعی دشمن و تبلیغات تفرقه‌افکن

یکی از ابزارهای اساسی امام در فرآیند انسجام اجتماعی، افشای چهره واقعی دشمن و خنثی‌سازی تبلیغات تفرقه‌افکنانه رژیم پهلوی و حامیانش بود. به باور امام، استعمارگران با شناخت دو سد بزرگ اسلام و روحانیت، در صدد بودند با ایجاد تفرقه میان روحانیت و مردم، این دو سد را از میان بردارند. (همان، ج ۴، ص. ۱۵). ایشان با افشای این توطئه، به مردم هشدار می‌دادند که دشمن با تبلیغات دروغین در رسانه‌های خارجی، می‌خواهد اسلام را بد جلوه دهد و روحانیون را از مردم جدا کند (همان، ج ۴، ص. ۵۲).

امام در پیامی به دانشجویان مسلمان، روحانی‌نمایی را که در خدمت رژیم بودند «خطرناک‌ترین دشمنان اسلام» خواندند و بر لزوم طرد آنان از حوزه‌های علمیه و مساجد تأکید کردند (همان، ج ۲، ص. ۴۸۸). مرزبندی امام، اعتماد مردم به رهبری را افزایش داد؛ چنانکه در نامه‌ای به آقای گرمی درباره فردی که جلساتش مضر بود، تأکید کردند هرگز وی را تأیید نکرده و نخواهند کرد (همان، ج ۲، ص. ۳۵۷). مواضع امام نشان‌دهنده مرزبندی با جریان‌های انحرافی و تلاش برای حفظ خلوص و وحدت نهضت بود. امام با این مرزبندی، در واقع اعتماد مردم را به رهبری تقویت می‌کند. ایشان با تشخیص و افشای جریان‌های منحرف، از یک سو جلوی نفوذ آنان را می‌گیرد و از سوی دیگر به مردم نشان می‌دهد که رهبری، آسیب‌شناسی دقیقی از وضعیت دارد. این شفافیت و صداقت، خود عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی است.

#### ۵-۶. پرهیز از انحصارطلبی و دعوت به مشارکت همگانی

امام با نفی رویکردهای جناحی، بر نقش‌آفرینی تمامی گروه‌های اجتماعی تأکید داشت و پایگاه اجتماعی انقلاب را به حداکثر وسعت رساند. ایشان مجلس خود را منزل همه معرفی کرد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص. ۶) و معیار عضویت در «گروه ما» را پذیرش اصول استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی قرار داد و تأکید کرد: «همه ملت با ما، و ما با همه ملت هستیم» (همان، ص. ۵۰۱). این همبستگی بر اساس دشمن مشترک و مصیبت مشترک، فراتر از منافع مادی و بر ایمان و تکلیف الهی استوار بود. امام در سخنرانی ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷، همه گروه‌ها را به همبستگی فراخواند و اختلاف را «انتحار مسلمین» خواند (همان، ج ۳، ص. ۳۹۵؛ ج ۴، ص. ۱۷۱). ایشان در برابر نقدهای وارد بر روحانیت، رویکردی مداراگرایانه داشت و از دخالت در امور اختلاف‌انگیز پرهیز می‌کرد (همان، ج ۳، ص. ۲۰۶). همچنین با برگزاری جلسات مشورتی با رهبران گروه‌های مختلف از جمله

بازرگان و سنجابی، به دنبال ایجاد وفاق ملی بود و هرگونه رد سلطنت را هماهنگی با ملت دانست (همان، ج ۴، صص. ۳۶۳ و ۴۳۰). این رویکرد فراگیر، بسیاری از نیروهای ملی و مذهبی را به صفوف انقلاب پیوند زد.

## ۶-۶. تواضع و فروتنی در برابر مردم

از جمله عوامل تقویت سرمایه اجتماعی امام، تواضع و فروتنی ایشان در برابر مردم بود. در سخنرانی تاریخی ۴ آبان ۱۳۴۳ (در پاسخ به تصویب لایحه کاپیتولاسیون) فرمودند: «شما گمان کردید که با صحنه‌سازیها می‌توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؟ نمی‌شود؛ این خواب باید در مرگ برای شما حاصل بشود! نمی‌توانید همچو کاری را انجام بدهید. روحانیون با هم هستند... آن روز اگر دست مراجع را بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم. من امروز دست بقال را هم می‌بوسم» (همان، ج ۱، ص. ۴۱۸).

ایشان در هر شرایطی، کرامت و احترام تک‌تک افراد را پاس می‌داشتند. نمونه برجسته این خلق و خوی والا را می‌توان در روایتی ازدوران تبعید در نجف مشاهده کرد: «یک وقت در حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف بودیم... یک وقت جمعیت فشار آورد و پیرمردی را زیر دست و پا انداخت. بلافاصله امام خم شده زیر بغل این پیرمرد را گرفتند و از زمین بلند کردند و با کمال مهربانی او را نوازش دادند» (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۱۶۴).

## ۷. نتایج انسجام اجتماعی در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی انقلاب

کاربست راهبرد انسجام اجتماعی توسط امام خمینی، پیامدهای راهبردی مهمی در گسترش و تعمیق پایگاه اجتماعی انقلاب اسلامی به همراه داشت که مهمترین آنها عبارتند از:

### ۱-۷. ایجاد ائتلاف فراگیر اجتماعی

یکی از مهمترین نتایج راهبرد انسجام اجتماعی، ایجاد ائتلافی فراگیر و بی‌سابقه از تمامی اقشار اجتماعی با سلايق گوناگون حول اهداف مشترک انقلاب بود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص. ۵۹). این ائتلاف دو ویژگی منحصربه‌فرد داشت: فراگیری جامع از روحانیون، بازاریان، دانشجویان، کارگران، زنان، اقلیت‌های مذهبی و حتی بخشی از ارتش (همان، ص. ۵۹)؛ و عبور از اختلافات جزئی با تمرکز بر دشمن مشترک (همان، ج ۲، ص ۱۳۱).

از منظر جامعه‌شناختی، این راهبرد با عبور از شکاف‌های قومی و مذهبی، اعتراضات پراکنده را به نهضتی منسجم تبدیل کرد. امام با افشای توطئه قدرت‌های بزرگ در ایجاد اختلافات قومی، زمینه وحدت ملی را فراهم آورد (همان، ج ۴، ص. ۲۳۵). بازتاب عینی آن در تظاهرات سراسری ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ آشکار شد؛ جمعیت‌های دویست تا پانصد هزار نفری در مراکز حکومت نظامی حاضر می‌شدند و برخلاف گذشته، تمامی جناح‌ها با یک خواست مشترک در صحنه حضور یافتند (همان، صص. ۶۱-۶۲ و ۳۸۴).

این ائتلاف فراگیر نقشی تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشت: قدرتی بی سابقه پدید آورد که نه شوروی و نه آمریکا یارای مقابله با آن را نداشتند (همان، ص. ۵۹)؛ پایگاه اجتماعی چنان گسترده‌ای ایجاد کرد که رژیم در برابر سی و پنج میلیون مسلمان آگاه تاب مقاومت نیاورد (همان، ص. ۳۸)؛ و زمینه ساز مشارکت حداکثری مردم در همه پرسی جمهوری اسلامی شد (همان، ص. ۴۴۰).

## ۲-۷. تقویت سرمایه اجتماعی رهبری

از جمله نتایج راهبرد انسجام اجتماعی در اندیشه و عمل امام، تقویت سرمایه اجتماعی ایشان به عنوان رهبری انقلاب بود. سرمایه اجتماعی که عبارت است از مجموعه روابط، اعتماد و شبکه های ارتباطی میان رهبری و پیروان، در جریان مبارزات انقلابی به بالاترین سطح خود رسید و به مهمترین پشتوانه امام در تمام مراحل مبارزه تا پیروزی انقلاب و پس از آن تبدیل شد.

## ۲-۷-۱. اعتماد عمومی به رهبری

اعتماد مردم به امام ریشه در چند عامل اساسی داشت: صداقت و صراحت در بیان مواضع، پایداری و استقامت در برابر سختی ها، همدلی عاطفی با توده های مردم، و پرهیز از هرگونه سازش با رژیم. امام در سخنرانی ۶ آبان ۱۳۴۱ در جمع بازاریان تهران، با نفی هرگونه توقع تشکر، رابطه خود و مردم را رابطه ای دینی و وظیفه محور تعریف کردند: «آیا من از شما تشکر بکنم، یا شما از من تشکر بکنید؟ هیچ کدام از یکدیگر تمنای تشکر نداریم؛ بلکه وظیفه دینی همه ماست...» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۸۲). این نگاه که رهبری در جایگاه خادم مردم قرار می داد، نقش مهمی در جلب محبت و اعتماد آنان داشت. گزارش مأمور ساواک از دیدار مردم با امام پس از آزادی از زندان، گویای این سرمایه اجتماعی عظیم است: «مردم دسته دسته و در حالی که در صف ایستاده بودند به نوبت دست و پای خمینی را می بوسیدند و عموماً متأثر بودند و گریه می کردند... تا ساعت ۹ [شب] جمعیت مثل سیل می آمد و از یک در وارد می شدند و دست و پای خمینی را می بوسیدند و از در دیگر خارج می شدند» (خسروشاهی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص. ۱۲۳؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۵۳).

## ۲-۲-۷. پایداری و استقامت در برابر سختی ها

استقامت امام در برابر تمام سختی ها، زندان، تبعید و فشارهای رژیم، سرمایه اجتماعی ایشان را دوچندان کرد. ایشان در سخنرانی ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ خطاب به روحانیون فرمودند: «اگر واقعاً روحانی هستید نترسید، نگران نشوید، قلبتان را محکم کنید. خود را آماده کنید برای کشته شدن، خود را آماده کنید برای زندان رفتن... کمربندها را محکم ببندید برای حبس، برای تبعید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۶۳). این سخنان نشان می دهد که امام نه تنها خود در برابر سختی ها استقامت می کرد، بلکه دیگران را نیز به این استقامت دعوت می نمود. این امر اعتماد مردم به رهبری را افزایش می داد.

## ۳-۷. تداوم مبارزه علیرغم سرکوب ها

از جمله نتایج راهبرد انسجام اجتماعی، تداوم مبارزه علیرغم سرکوب‌های گسترده رژیم پهلوی بود. امام با ایجاد پیوند عاطفی عمیق با توده‌های مردم، روحیه مقاومت را در مبارزان تقویت کرد. ریشه این تداوم، ایمان به وعده‌های الهی و آگاهی از توطئه‌های دشمن بود؛ چنان‌که به مبارزان اطمینان می‌داد که پیروزی نهایی از آن حق است (همان، ج ۲، ص. ۱۳۵). این رویکرد در اعلامیه مشترک ایشان با مراجع در اسفند ۱۳۴۱ نیز تبلور یافت که بر ادامه تکلیف دینی روحانیت برای نصیحت زمامداران، علی‌رغم فشارها، تأکید داشت (همان، ج ۱، ص. ۱۴۸).

پایداری در برابر سرکوب‌های خونینی همچون ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، کشتار فیضیه و جمعه سیاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، نشان داد که مبارزه نه تنها متوقف نشد، بلکه با قدرت بیشتری ادامه یافت. امام در پیام‌های خود، شهدا را گرامی داشت و با تعبیر «مصطفاهای من» با داغدیدگان پیوندی عاطفی برقرار کرد (همان، ج ۳، صص. ۴۲۱ و ۴۶۲).

انسجام اجتماعی از سه جهت به این تداوم کمک کرد: نخست، با نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار و آمادگی برای شهادت و زندان (همان، ج ۱، ص. ۱۶۳)؛ دوم، با امیدآفرینی به پیروزی نهایی مبتنی بر وعده الهی (همان، ص. ۲۲۴)؛ و سوم، با تبدیل تحلیل راهبردی که در هر دو حالت برخورد نظامی یا اعتراضات گسترده، نتیجه را به نفع مسلمین می‌دانست (همان، ص. ۸۵).

#### ۴-۷. مشارکت گسترده مردمی در پیروزی انقلاب

مشارکت گسترده مردم، رژیم پهلوی را در برابر عظمت خواست مردم ناچار به تسلیم کرد امام با درک عمیق از قدرت مردمی، قیام را سیل خروشانی خواند که نه شوروی و نه آمریکا توانایی مقابله با آن را ندارند (همان، ج ۴، ص. ۵۹). و در جای دیگر، ایستادگی سی و پنج میلیون ایرانی آگاه و معتقد را در برابر هر قدرتی غیرممکن دانست (همان، ص. ۳۸۱). این مشارکت در جلوه‌های گوناگونی تجلی یافت: راهپیمایی‌های میلیونی در مراکز حکومت نظامی (همان، ج ۴، ص. ۳۸۴)؛ اعتصابات سراسری کارگران، بازاریان و کارمندان که امام آن را «مقدس» و «روی سفیدکننده» ملت خواند (همان، ص. ۴۹۸)؛ حضور پرشور زنان در صحنه مبارزه بدون هراس از تانک و گلوله (همان، ص. ۴۴۰)؛ و مشارکت اقلیت‌های مذهبی در صفوف انقلاب (همان، ص. ۴۴۱).

امام وحدت کلمه را شرط پیروزی می‌دانست و اختلاف را «انتحار مسلمین» معرفی می‌کرد (همان، ص. ۱۷۱). بدین‌سان، راهبرد انسجام اجتماعی با ایجاد هم‌صدایی و مشارکت حداکثری، عظیم‌ترین حرکت مردمی تاریخ معاصر ایران را رقم زد و رژیم پهلوی را به زانو درآورد.

#### نتیجه‌گیری

انسجام اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، بر خلاف برداشت‌های رایج که آن را صرفاً مفهومی اخلاقی یا عاطفی می‌دانند، ابزاری مؤثر و عملیاتی برای تبدیل توده‌های پراکنده به پایگاه اجتماعی منسجم بود. نقطه تمایز این راهبرد از بسیاری جنبش‌های معاصر، تکیه بر منابع معنوی و عاطفی به جای ابزارهای مادی یا اجباری است. امام با شناخت نیازها و هویت اقشار مختلف،

توانست هر گروه را به زبانی خاص و متناسب با خود مخاطب قرار دهد و این «چندصدایی هوشمندانه» در عین حفظ وحدت راهبردی، از مهم‌ترین دستاوردهای نظری-عملی این پژوهش به‌شمار می‌رود.

اما آنچه این راهبرد را از نظریه‌های کلاسیک انسجام اجتماعی متمایز می‌کند، نوآوری‌های پنج‌گانه امام در عرصه عمل است: نخست، بازآفرینی مفهوم قرآنی «تألیف قلوب»: امام با الهام از آیه «مَا أَلَفْتُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» این مفهوم را از نهاد مالی فقهی به راهبردی سیاسی-اجتماعی تبدیل کرد و نشان داد که «تألیف قلوب» نه با پول، بلکه با صداقت، فروتنی و هم‌دلی عاطفی امکان‌پذیر است. دلجویی از خانواده‌های شهدا، رسیدگی به نیازهای مبارزان و نامه‌های شخصی سرشار از محبت، مصادیق عینی این رویکرد بود.

دوم، «چندصدایی هوشمندانه» در عین حفظ وحدت راهبردی: امام بدون فداکردن اصول انقلاب، با هر گروهی به زبان خودش سخن گفت: با بازاریان از زبان اقتصاد و استقلال، با دانشجویان از زبان آزادی و عدالت، با روحانیون از زبان تکلیف شرعی، با زنان از زبان کرامت انسانی، و با اقلیت‌های مذهبی از زبان امنیت دینی.

سوم، به‌کارگیری هم‌زمان هر سه سطح انسجام‌هنجاری، کارکردی و عاطفی: در حالی که نظریه‌پردازانی چون دورکیم، پاتنام و چلبی هر یک بر یک بُعد از انسجام متمرکز شده‌اند، امام در عمل نشان داد که انسجام پایدار با تلفیق هم‌زمان ارزش‌های مشترک، شبکه‌های اجتماعی و همبستگی عاطفی ممکن است.

چهارم، تبدیل تهدیدها به فرصت‌های انسجام‌آفرین: امام با افشای توطئه دشمن برای ایجاد شکاف میان نسل جوان و روحانیون یا میان اقوام مختلف، مردم را نسبت به خطرات تفرقه‌هوشیار ساخت و همبستگی آنان را در برابر دشمن مشترک افزایش داد. پنجم، نهادینه‌سازی سرمایه اجتماعی از طریق تواضع شخصی: امام با تواضع بی‌نظیر در برابر مردم و پرهیز از انحصارطلبی، الگویی از رهبری خدمتگزار ارائه کرد که در تاریخ جنبش‌های جهان کم‌نظیر است.

نتایج عینی این نوآوری‌ها در سه حوزه متبلور شد: ایجاد ائتلافی فراگیر از تمامی اقشار اجتماعی؛ تقویت سرمایه اجتماعی رهبری تا سطحی که حتی گزارش‌های ساواک گواهی بر عمق اعتماد و محبت است؛ و مشارکت گسترده مردمی که رژیم پهلوی را به زانو درآورد. بدین‌سان، آنچه انقلاب اسلامی را از بسیاری از جنبش‌های هم‌عصر خود متمایز ساخت، قدرت نرم ناشی از انسجام عاطفی و معنوی بود که امام خمینی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی، آن را در قامت راهبرد سیاسی-اجتماعی بازآفرینی کرد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به این پرسش‌ها بپردازند:

۱- آیا الگوی انسجام‌بخشی امام خمینی قابلیت تعمیم به جوامع دیگر با بافت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی متفاوت را دارد؟

۲- چگونه می‌توان از این الگو در شرایط کنونی که جوامع اسلامی با بحران‌های هویتی و تفرقه‌های داخلی دست‌به‌گریبان هستند، بهره گرفت؟

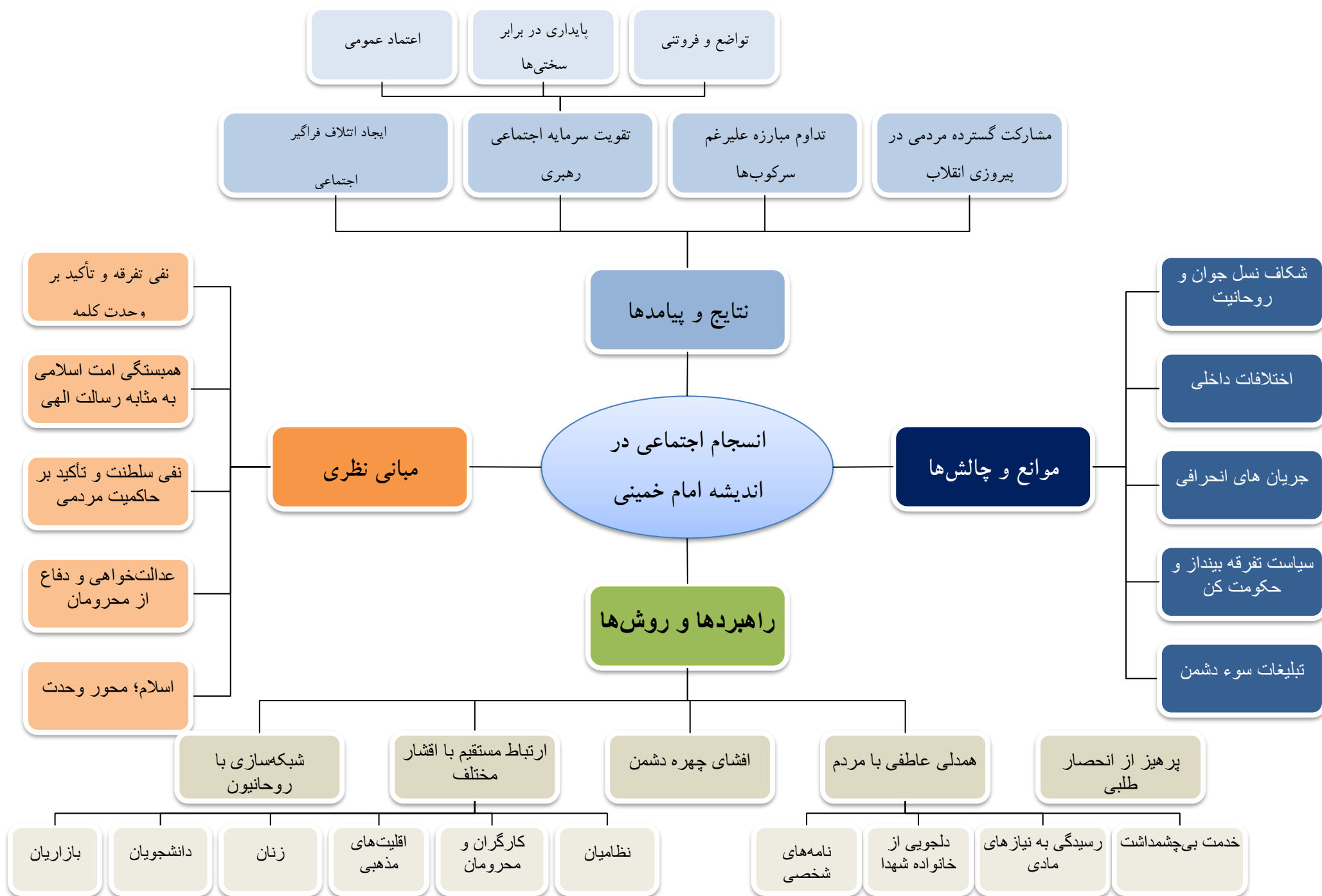
### ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

پژوهش‌های آینده



## القرآن الکریم.

احمدی اتویی، عبدالرضا (۱۴۰۴). از گسست تا همبستگی: واکاوی سازوکارهای تداوم انسجام سیاسی مردم ایران در دوران پساجنگ با اسرائیل. دوفصلنامه انقلاب پژوهی، ۳(۶)، ۱-۲۶.

10.22034/fademo.2025.548018.1148

آرون، ریمون (۱۳۷۲). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.

اسحاقی، حسین (۱۳۸۷). مقایسه تطبیقی قیام حسینی و انقلاب خمینی. قم: دفتر عقل.

استونز، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز.

بستانی، فوادافرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی الفبایی. ترجمه مهیار. تهران: اسلامی.

بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست. تهران: نگاه معاصر.

بشیریه، حسین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نی.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۸). شیعه‌شناسی، آشنایی با مذاهب اسلامی. تهران: مشعر.

پیشوایی، مهدی (۱۳۸۵). سیره پیشوایان. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. مشهد: مرن‌دیز.

چلبی، مسعود (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.

حکیم، سید محمدباقر (۱۳۸۰). وحدت اسلامی از دیدگاه کتاب و سنت. ترجمه فقهی زاده، تهران: تبیان.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی. تهران: سازمان انتشارات.

خسروشاهی، هادی (۱۳۹۵). اسناد نهضت اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). وحدت از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پنجم.

ذبیان، سامی محمود (۱۹۹۰م). قاموس المصطلحات السياسية. لندن: ریاض الریس للکتب و النشر.

رجایی، غلامعلی (۱۳۹۲). برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

سالاروند، امیر (۱۳۹۰). گفتمان مبارزه در اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: نشر معارف.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ظفرقندی، محمدعلی (۱۳۹۰). عناصر رهبری سیاسی امام خمینی. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۵). الصحيح من سيرة النبي الأعظم. قم: دار الحديث.

عیوضی، محمد رحیم و فتاحی، یوسف (۱۳۹۱ الف). نسبت مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی. فصلنامه راهبرد، ۲۰ (۵۹)، ۳-۲۲.

20.1001.1.10283102.1392.22.1.2.1

عیوضی، محمد رحیم و فتاحی، یوسف (۱۳۹۱ ب). رهبری و سرمایه اجتماعی با رویکرد به رهبری امام خمینی. فصلنامه متین، ۱۳ (۵۱)، ۶۱-۸۳.

20.1001.1.24236462.1390.13.51.5.9

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی). قم: معارف.  
فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۵). راهبرد ایجاد وحدت در اندیشه امام خمینی. ماهنامه کیان فرهنگ، شماره ۱۵۷، صص ۱۷-۲۲.

کوزر، لوئیس (بی تا). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.  
مصطفایی، عبدالمحمد (۱۳۸۹). تعامل و همبستگی اجتماعی در مکتب امام خمینی. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۴ (۱۲)، ۱۳۷-۱۶۳.

نعمت‌الهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی. فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۳ (۵۰)، ۲۰۲-۱۷۵.